

Political, Legal, and Administrative Challenges of Implementing
International Law in Iranian Domestic Courts

Ali Abbas Sabah Aboud Al-Kreeti¹

Received: 12 January 2025

Zeinab Pourkhaghan Shahrezaei²

Reception: 26 Marchy 2025

Abd Ali Mohammad Sawadi³

Mohammad Sharif Shahi⁴

Abstract:

The implementation of international law in the domestic courts of Iran and Iraq faces numerous challenges that stem from legal, political, and structural factors. Although these challenges have similarities in the two countries, they differ in intensity and nature due to differences in the legal systems, political structures, and specific circumstances of each country. One of the fundamental challenges is the potential conflict between domestic law and international law. In both countries, domestic law is considered the governing law, and in the event of a conflict between domestic law and international treaties, domestic law usually takes precedence. This creates serious problems, especially in cases where domestic law conflicts with fundamental principles of international law, such as human rights. In Iran, the concept of Velayat al-Faqih and its role in interpreting and implementing laws can lead to conflict with international principles of impartiality and judicial independence. In Iraq, the influence of political and tribal groups in the judicial system can create obstacles to the impartial enforcement of international law. Another challenge is the lack of effective enforcement mechanisms for international court rulings in domestic courts. In both countries, international court rulings are not necessarily automatically enforced in domestic courts. This makes international court rulings ineffective in practice. In Iran, this challenge is exacerbated by nationalist concerns and a reluctance to comply with international court rulings that may conflict with national interests. In Iraq, the ability to effectively enforce international court rulings is reduced due to weak state institutions and political instability.

¹PhD student in Public Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding author)

³Assistant Professor, Department of Law, Al-Tusi College, Najaf Province, Iraq (Second supervisor)

⁴Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Advisor)

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.499510.1210>

چالش‌های سیاسی، حقوقی و اداری اجرای حقوق بین الملل در محاکم داخلی ایران

علی عباس صباح عبود الکریتی ^۱ID

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

زینب پورخاقان شاهرضایی ^۲ID

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

عبد علی محمد سوادی ^۳ID

محمد شریف شاهی ^۴ID

چکیده:

اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کشورهای ایران و عراق با چالش‌های متعددی مواجه است که ریشه در عوامل حقوقی، سیاسی و ساختاری دارد. این چالش‌ها، اگرچه در دو کشور مشابهت‌هایی دارند، اما به دلیل تفاوت در سیستم‌های حقوقی، ساختار سیاسی و شرایط خاص هر کشور، در شدت و ماهیت با هم تفاوت‌هایی نشان می‌دهند. یکی از چالش‌های اساسی، تعارض احتمالی بین قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل است. در هر دو کشور، قوانین داخلی به عنوان قانون حاکم در نظر گرفته می‌شوند و در صورت تعارض بین قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی، معمولاً قوانین داخلی اولویت دارند. این امر، به ویژه در مواردی که قوانین داخلی با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بشر، تعارض داشته باشند، مشکلات جدی ایجاد می‌کند. در کشور ایران، مفهوم ولایت فقیه و نقش آن در تفسیر و اجرای قوانین، می‌تواند به تعارض با اصول بین‌المللی بی‌طرفی و استقلال قضایی منجر شود. در عراق، نفوذ گروه‌های سیاسی و قبیله‌ای در سیستم قضایی می‌تواند در اجرای بی‌طرفانه حقوق بین‌الملل موانع ایجاد کند. چالش دیگر، عدم وجود مکانیسم‌های اجرایی مؤثر برای احکام دادگاه‌های بین‌المللی در محاکم داخلی است. در هر دو کشور، احکام دادگاه‌های بین‌المللی لزوماً به‌طور خودکار در محاکم داخلی اجرا نمی‌شوند. این امر، موجب می‌شود که احکام دادگاه‌های بین‌المللی در عمل بی‌اثر باشند. محقق با استفاده از روش توصیفی تحلیل به این نتیجه رسیده است که در کشور ایران، این چالش با نگرانی‌های ملی‌گرایانه و عدم تمایل به تابعیت از احکام دادگاه‌های بین‌المللی که ممکن است با منافع ملی در تعارض باشد، تشدید می‌شود. در عراق، به دلیل ضعف نهادهای دولتی و بی‌ثباتی سیاسی، امکان اجرای احکام دادگاه‌های بین‌المللی به‌طور مؤثر کاهش می‌یابد. علاوه بر این، کمبود آگاهی و آموزش قضات و وکلان در مورد حقوق بین‌الملل نیز یک چالش اساسی است. این امر، باعث می‌شود که آن‌ها به‌طور کامل از قواعد و اصول حقوق بین‌الملل آگاه نباشند و در نتیجه، در اجرای آن‌ها با مشکل مواجه شوند. در هر دو کشور، ایجاد برنامه‌های آموزشی و تخصصی در زمینه حقوق بین‌الملل برای قضات و وکلان ضروری است. اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کشورهای ایران و عراق مستلزم اصلاحات ساختاری در سیستم‌های حقوقی و سیاسی هر دو کشور، تقویت نهادهای قضایی و افزایش آگاهی و آموزش قضات و وکلان است. این چالش‌ها، به‌طور مستقیم بر حاکمیت قانون، حفظ حقوق بشر و روابط بین‌المللی هر دو کشور تأثیر می‌گذارند.

کلیدواژه‌گان: حقوق بین‌المللی، چالش‌های حقوقی، محاکم داخلی، حقوق ایران، حقوق عراق.

^۱دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) Poorkhaghan@gmail.com

^۳استادیار گروه حقوق، دانشکده الطوسی استان نجف، عراق (استاد راهنما دوم)

^۴استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (استاد مشاور)

اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کشورهای مختلف، تأثیرات عمیقی بر نظام‌های قضایی، حاکمیت قانون و حقوق بشر دارد. کشورهای ایران و عراق، به عنوان دو کشور همسایه با تاریخ و فرهنگ‌های مشترک، با چالش‌های خاصی در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل روبرو هستند. این چالش‌ها ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی و حقوقی است که هر یک به نوعی مانع از تطابق قوانین داخلی با اصول و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌شوند. یکی از چالش‌های کلیدی در ایران، عدم انطباق برخی از قوانین ملی با تعهدات بین‌المللی است. نظام قضایی ایران، تحت تأثیر نهادهای مذهبی و فلسفه‌های اسلامی، در موارد متعددی با حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی در تعارض است. از آنجا که قوانین اسلامی به‌طور عمده بر پایه شریعت بنا شده‌اند، در مواردی که حقوق بشر و قوانین اسلامی در تضاد قرار می‌گیرند، اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم بسیار دشوار می‌شود. در کشور عراق، بی‌ثباتی سیاسی و ضعف نهادهای دولتی به‌ویژه در عرصه قضایی، از دیگر چالش‌های اساسی در اجرای حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آید. با توجه به تجارب گذشته، تحولات سیاسی و نظامی، سیستم قضایی این کشور هنوز نتوانسته به استقلال و ثبات لازم دست یابد. در نتیجه، حقوق بین‌الملل غالباً نادیده گرفته می‌شود و به راحتی از قوانین محلی و منطقه‌ای تبعیت می‌کند. علاوه بر این، فقدان آگاهی عمومی و حقوقی در زمینه حقوق بین‌الملل و وجود نهادهای غیر دولتی قوی مانع از این می‌گردد

که حقوق بین‌الملل به‌طور مؤثری در سطوح محلی اجرا شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۶). در کشور ایران، عدم آگاهی رسانه‌ها و جامعه درباره حقوق بین‌الملل، اصل مهمی در عدم تطابق قوانین داخلی با اصول بین‌المللی است. در کشور عراق نیز، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای قضایی و دولتی، باعث کاهش علاقه و مشارکت عمومی در امور حقوقی و بین‌المللی می‌شود. چالش دیگر، عدم وجود مکانیسم‌های مؤثر نظارتی و پیگیری برای احکام بین‌المللی است. در هر دو کشور، نهادهای قضایی به‌ندرت به احکام بین‌المللی توجه کرده و سازوکارهای لازم برای اجرایی کردن آن‌ها وجود ندارد. این امر نیز به تضعیف جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام‌های قضایی کشورهای مذکور کمک می‌کند. با توجه به این چالش‌ها، اصلاحات قضائی، ارتقاء آگاهی قضات و وکلای دادگستری، و تقویت نهادهای نظارتی به‌عنوان اقداماتی ضروری محسوب می‌شود که می‌توانند اجرای حقوق بین‌الملل را در محاکم داخلی ایران و عراق

بهبود بخشند. لازم است که هر دو کشور به دنبال راهکارهای مؤثری برای تقویت جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام‌های قضائی خود باشند. همکاری‌های بین‌المللی و مشاوره با نهادهای بین‌المللی می‌تواند به ایجاد بستری مناسب برای احترام به حقوق بشر و اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کمک کند. این اقدامات به افزایش عدالت، بهبود وضعیت حقوق بشر و ارتقاء اعتبار هر دو کشور در عرصه بین‌المللی انجامیده و می‌تواند به تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی در هر دو کشور بینجامد.

۱- رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی

رابطه بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی یکی از موضوعات پیچیده و مهم در نظام‌های حقوقی کشورها به شمار می‌آید. این رابطه به نحوه تعامل و هماهنگی میان قوانین داخلی یک کشور و تعهدات بین‌المللی آن کشور مربوط است. در بسیاری از کشورها، حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک منبع حقوقی مهم و معتبر شناخته می‌شود، در حالی که در برخی دیگر، ممکن است حقوق داخلی بر تعهدات بین‌المللی مقدم باشد. در حقوق بین‌الملل، دو مکتب فکری عمده وجود دارد: مکتب انزوا و مکتب ادغام. مکتب انزوا بر این باور است که حقوق داخلی و بین‌الملل کاملاً جدا از یکدیگرند و هیچ‌گونه تداخلی بین دو نظام وجود ندارد؛ در حالی که مکتب ادغام به تعامل و هم‌افزایی میان دو نظام حقوقی اشاره دارد و بر این باور است که حقوق بین‌الملل باید به‌عنوان بخشی از حقوق داخلی پذیرفته شود (پیوندی، ۱۴۰۱: ۲۱). در حقوق کشور ایران، قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی، در بند ۹ اصل ۷۷ به صراحت اعلام می‌کند که هیچ‌گونه عهدنامه و قراردادی بدون تصویب مجلس شورای اسلامی اعتبار ندارد؛ این امر نشان‌دهنده این است که قوانین بین‌المللی باید ابتدا توسط نهادهای قانونی ملی مورد تأیید قرار گیرند. از سوی دیگر، در حقوق بین‌الملل، تعهدات به‌صورت خودکار وارد نظام حقوقی کشورها نمی‌شوند؛ یعنی، باید این تعهدات از طریق فرآیندهای قانونی و اداری به تصویب برسند تا بتوانند در نظام حقوقی داخلی قابلیت اجرایی پیدا کنند. در این زمینه، نظام‌های قانونی مختلف می‌توانند رویکردهای متفاوتی داشته باشند. در کشور عراق، قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵ به‌طور رسمی به حقوق بشر و ارکان بین‌المللی توجه و احترام گذاشته است. این قانون اعلام می‌کند که تعهدات بین‌المللی، به‌خصوص در عرصه حقوق بشر، باید جزء قوانین ملی قرار گیرد. این نگرش، نقطه عطفی در تاریخ حقوق عراق بوده است. با این حال، در عمل، چالش‌هایی در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل در

محاکم هر دو کشور وجود دارد (اسلامی، ۱۴۰۲: ۱۷). در کشور ایران، برخی از نهادهای اجرایی و قضایی نسبت به تعهدات بین‌المللی استقلال دارند و ممکن است تعهدات بین‌المللی را نادیده بگیرند. در عراق نیز، وجود مشکلات سیاسی و ناپایداری‌های داخلی موجب عدم توجه کافی به تعهدات بین‌المللی می‌شود.

در حقوق بین‌الملل، قانون ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی باید هماهنگ و انطباق‌پذیر باشند. در ایران، قانون اساسی و قوانین داخلی باید با تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌المللی در تعارض نباشند. در عراق، علاوه بر این موارد، سیستم قضایی باید به نهادهای بین‌المللی وفادار باشد. در کشور ایران، قانون اساسی بر اساس شریعت اسلامی بنا شده است. این قانون، منابع حقوقی مختلف را بر اساس اولویت‌های مذهبی و ملی تعیین می‌کند. اگر در حالیکه یک کنوانسیون بین‌المللی با شریعت در تضاد باشد، قانون داخلی بر کنوانسیون مقدم است. در این صورت، اجرایی کردن کنوانسیون ممکن نیست. در کشور عراق، قانون اساسی مورد نظر در سال ۲۰۰۵ تهیه شد. این قانون بر اساس اصول دموکراسی و حقوق بشر بنا شده است. هرچند این قانون، به کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌طور ضمنی اشاره کرده است، اما اجرای آنها همیشه مطابق با عرف نیست. در هر دو کشور، احکام قضایی باید بر اساس قوانین داخلی باشد (الشافعی، ۲۰۱۰: ۶۵). اگر یک کنوانسیون بین‌المللی با قانون داخلی در تضاد باشد، احکام قضایی بر کنوانسیون مقدم است. این امر به تضعیف جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام‌های قضایی ایران و عراق کمک می‌کند.

یکی از چالش‌های اساسی، عدم وجود سازوکارهای مؤثر برای پیگیری احکام بین‌المللی است. در هر دو کشور، نهادهای قضایی به‌ندرت به احکام بین‌المللی توجه کرده و سازوکارهای لازم برای اجرایی کردن آنها وجود ندارد. این امر نیز به تضعیف جایگاه حقوق بین‌الملل کمک می‌کند. علاوه بر این، فقدان آگاهی عمومی و حقوقی در زمینه حقوق بین‌الملل در هر دو کشور مانع از این می‌شود که کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌طور مؤثری در سطوح محلی اجرا شوند. در ایران، عدم آگاهی رسانه‌ها و جامعه درباره حقوق بین‌الملل اصل مهمی در عدم تطابق قوانین داخلی با اصول بین‌المللی است (ایزدی، ۱۳۹۴: ۴۸۱). در کشور عراق نیز، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای قضایی و دولتی، باعث کاهش علاقه و مشارکت عمومی در امور حقوقی و بین‌المللی می‌شود. این بی‌اعتمادی دلیل دیگر برای عدم اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل است. در هر دو کشور، وجود نهادهای غیر دولتی قوی مانع

از این می‌شود که حقوق بین‌الملل به‌طور مؤثری در سطوح محلی اجرا شود. این نهادها اغلب بر مسائل داخلی متمرکز هستند و معمولاً با سیستم‌های قضایی هماهنگ نمی‌شوند. با توجه به این چالش‌ها، اصلاحات قضایی ضروری است. ارتقاء آگاهی قضات و وکلای دادگستری نیز الزاماتی شدید دارد. همچنین تقویت نهادهای نظارتی به‌عنوان اقدامات ضروری برای بهبود اجرای حقوق بین‌الملل در هر دو کشور است (حمید، ۲۰۱۱: ۹۳). همکاری‌های بین‌المللی و مشاوره با نهادهای بین‌المللی می‌تواند به ایجاد بستری مناسب برای احترام به حقوق بشر و اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل کمک کند.

۲- چالش‌های نظام حقوقی کشور ایران

نظام حقوقی کشور ایران با چالش‌های متعددی در ارتباط با تطابق و اجرای حقوق بین‌الملل مواجه است. یکی از اصلی‌ترین مشکلات، عدم پذیرش قوانین بین‌المللی به‌عنوان قواعد اجرایی بدون تصویب مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این مسئله به معنای این است که کنوانسیون‌ها و تعهدات بین‌المللی برای اجرایی شدن، نیازمند تایید و تصویب نهادهای داخلی هستند. بنابراین، اگر قوانینی در تضاد با مناسک اسلامی یا قوانین ملی وجود داشته باشد، امکان عدم اجرای آن‌ها وجود دارد (علبدینی و حسنی، ۱۴۰۱: ۱۵). علاوه بر این، نهادهای قضایی ایران به‌طور کلی به دلیل چالش‌های سیاسی و اجتماعی ممکن است تحت تأثیر تصمیمات نهادهای سیاسی قرار گیرند. این وابستگی به نهادهای سیاسی و مدیریت ناپایدار، باعث عدم قطعیت در اجرا و پیروی از حقوق بین‌الملل می‌شود. لذا، جدیت در زمینه احترام به تعهدات بین‌المللی ممکن است به دلیل فشارهای سیاسی که بر دستگاه قضایی وجود دارد، تضعیف شود. این موضوع، به ویژه در مواردی که حقوق بشر مطرح است، باعث می‌شود که دادرسی‌ها و تصمیمات قضایی بر اساس قوانین ملی و با دیگر نیازهای سیاسی تنظیم شوند. عدم آگاهی عمومی و حقوقی نیز یکی دیگر از چالش‌های جدی در نظام حقوقی کشور ایران است. در بسیاری از موارد، عدم درک و شناخت کافی از حقوق بین‌الملل در نهادهای اجرایی و قضایی موجب می‌شود که این نهادها از تعهدات جهانی خود غافل شوند. این فقدان آموزش و توانمندسازی در حوزه حقوق بین‌الملل به‌حدی است که تأثیرات منفی بر کل سیستم قضایی و روحیه حمایت از حقوق بشر دارد (رنجبریان و زمانی، ۱۳۹۳: ۴۷). بنابراین، ایجاد فرصت‌های آموزشی و تشویق به شناخت عمیق‌تر از حقوق بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱- موانع قانونی و اجرایی

در حقوق کشور ایران، موانع قانونی و اجرایی متعددی بر سر راه اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل وجود دارد که به تحلیل و آسیب‌شناسی این موضوع نیاز است. یکی از بارزترین این موانع، فقدان یک قاعده حقوقی مشخص برای ادغام و اجرای قوانین بین‌المللی در ساختار حقوقی داخلی است. بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی معاهدات بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند، این امر می‌تواند باعث تأخیر و مشکلاتی در اجرای تعهدات بین‌المللی شود. برخی قوانین داخلی ممکن است با تعهدات بین‌المللی مغایرت داشته باشند و این تعارض، بروز چالش‌هایی را در جلوگیری از اجرای مؤثر این تعهدات به همراه دارد. از سوی دیگر، نظام قضایی ایران ممکن است در تفسیر و اجرای قوانین بین‌المللی، تحت تأثیر پارامترهای سیاسی و اجتماعی قرار گیرد. نهادهای قضایی وابسته به احزاب و گروه‌های سیاسی ممکن است در اتخاذ تصمیمات حقوقی خود، نظر به موارد سیاسی و فرهنگی داشته باشند، که این موضوع می‌تواند عدم قطعیت و عدم ثبات در اجرای حقوق بین‌الملل را به همراه داشته باشد (عامری، ۱۴۰۰: ۴۷). بنابراین، نهادهای قضایی ممکن است به جای پیروی از اصول حقوقی بین‌المللی، به تفسیر قوانین داخلی پرداخته و در نهایت منجر به نادیده گرفتن تعهدات بین‌المللی شوند.

عدم آگاهی حقوقی در بین قاضیان و وکلای در مورد حقوق بین‌الملل، یکی دیگر از چالش‌های مهم است. بسیاری از قضات و وکلای حقوقی ممکن است به اندازه کافی با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل آشنا نباشند، که این نقص در آگاهی می‌تواند به عدم به‌کارگیری مؤثر این حقوق در نظام قضایی بینجامد. این امر به ویژه در زمینه حقوق بشر و حمایت از حقوق اقلیت‌ها مشهود است، جایی که آگاهی ناکافی ممکن است به نقض حقوق شهروندان در سطح ملی منجر شود. علاوه بر این، نبود نهادهای نظارتی مستقل به‌منظور تطبیق و نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران نیز از دیگر چالش‌هاست. اگرچه بعضی نهادها به لحاظ قانونی مسئول اجرای حقوق بین‌الملل هستند، اما فقدان استقلال این نهادها و تحت تأثیر قرار گرفتن آنها توسط دولت و نهادهای سیاسی می‌تواند مانع از اجرای صحیح و مؤثر تعهدات بین‌المللی گردد. این موضوع می‌تواند به تضعیف اعتبار نهادهای قضایی و حقوق بشری منجر شود و بر مشروعیت آنها تأثیر منفی بگذارد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). تعارض میان حقوق داخلی و قوانین بین‌المللی نیز باعث ایجاد اعمال محدودیت‌هایی می‌شود که اجرای حقوق بین‌الملل را

به چالش می‌کشد. در مواردی که تعارضی میان قوانین اسلامی و تعهدات بین‌المللی وجود دارد، نهادهای قضایی ممکن است تصمیم بگیرند که به حقوق داخلی پایبند باشند و در نتیجه، تعهدات بین‌المللی نادیده گرفته شوند. این تعارض‌ها می‌تواند به تضعیف نظام حقوقی و نقص حقوق بشر و تعهدات بنیادین در کشور ایران منجر شود. از دیگر موانع، بحران‌های اقتصادی و سیاسی است که موجب کاهش منابع و توانمندی‌ها برای اجرای مؤثر قوانین بین‌المللی می‌شود. شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بر روی منابع انسانی و مادی تأثیر بگذارد و نهادها را در پیگیری تعهدات بین‌المللی دچار مشکل کند. بسیاری از منابع و زمان‌ها ممکن است به مسائل داخلی و توسعه اقتصادی معطوف شود و در نتیجه، توجه کافی به حقوق بین‌الملل کم‌رنگ شود. همچنین، مشکلات فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در موانع قانونی و اجرایی ایفا می‌کند (رنجبریان و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۹). در برخی موارد، نگرش‌های فرهنگی نسبت به حقوق بشر و حقوق بین‌الملل ممکن است باعث نادیده گرفتن یا مقاومت در برابر پیروی از حقوق بین‌الملل شود. باورهای عمومی و سنت‌های فرهنگی ممکن است بر روی نحوه برخورد با حقوق بین‌الملل تأثیرگذار باشد و به چالش‌هایی در اجرای حقوق بشر و دیگر تعهدات بین‌المللی منجر شود. توجه به این موانع و لزوم ایجاد اصلاحات در نظام حقوقی کشور ایران برای هم‌افزایی بیشتر حقوق داخلی و بین‌المللی امری اساسی به نظر می‌رسد. تقویت آگاهی‌های حقوقی، آموزش قضات و وکلا درباره حقوق بین‌الملل و تأسیس نهادهای مستقل نظارتی می‌تواند به بهبود وضعیت موجود کمک کند (رفیعی، ۱۴۰۲: ۹۰). با این اصلاحات، کشور ایران می‌تواند به راحتی به تعهدات بین‌المللی خود عمل کند و جایگاه خود را در جامعه جهانی تقویت نماید.

۲-۲- موانع فرهنگی و اجتماعی

موانع فرهنگی و اجتماعی در کشور ایران به‌ویژه در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی این کشور به دلیل تعارضات بین‌المللی با فرهنگ و مذهب اسلامی، نقش محوری ای ایفا می‌کنند. یکی از این موانع، تأثیر عمیق اصول اسلامی و فقه شیعه بر نظام حقوقی و فرهنگی جامعه است. این اصول ممکن است با برخی از تعهدات بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر، ناهماهنگی ایجاد کنند. به‌طور خاص، موضوعاتی مانند حق آزادی بیان، حقوق زنان، و حقوق اقلیت‌ها گاهی با برداشت‌های سنتی و مذهبی داخل کشور در تعارض قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، عدم آگاهی عمومی نسبت به حقوق

بین‌الملل و میثاق‌های مربوطه یک مانع جدی دیگر است. بسیاری از مردم و حتی گروه‌های متعهد به حقوق بشر در ایران از مفاهیم و تعهدات بین‌المللی به‌طور کامل بی‌خبرند (رضایی تیله نویی، ۱۳۹۸: ۴۹). عدم آموزش حقوقی کافی در سطح عمومی، باعث می‌شود که شهروندان توانایی شناخت و دفاع از حقوق خود را نداشته باشند. این کمبود آگاهی می‌تواند به عدم فشار بر نهادهای قضائی و داخلی برای اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل منجر شود. تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در کشور ایران همچنین می‌تواند به نادیده گرفتن حقوق بین‌الملل در محاکم کمک کند. در جامعه‌ای که در آن سنت‌ها، آداب و رسوم محلی ارزشمندی به‌شمار می‌آیند، برخی از اصول حقوق بین‌الملل ممکن است به عنوان تهدیداتی علیه این ارزش‌ها تصور شوند (رنجبریان و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳۶). به‌ویژه، در جوامع محلی که هویت قومی و مذهبی خاصی دارند، ممکن است حقوق بین‌الملل به‌عنوان ابزاری برای نفوذ خارجی دیده شوند و منجر به مقاومت در برابر پذیرش آن‌ها گردد.

نهادهای اجتماعی و مذهبی نیز در ایران تأثیر عمده‌ای بر روی قوانین و اجرای آن‌ها دارند. این نهادها ممکن است عموماً بر قوانین طبیعی و بین‌المللی تأثیر گذاشته و در مواردی از استفاده از حقوق بین‌الملل جلوگیری کنند. این تأثیرات می‌تواند منجر به عدم توازن بین اجرای عدالت و حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی گردد. این امر به ویژه زمانی رخ می‌دهد که نهادهای مذهبی و اجتماعی به‌طور مستقیم با قضاوت‌های قضائی مرتبط هستند. حتی در مواردی که قوانین بین‌المللی با قوانین داخلی سازگارند، فشارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مانع از اجرای صحیح آن‌ها شود. قضات و وکلای ایرانی ممکن است تحت تأثیر نظرات عمومی و اجتماعی در قضاوت‌های خود قرار بگیرند و این موضوع می‌تواند موجب عدم اجرای مناسب حقوق بین‌الملل شود. این پدیده می‌تواند به عدم احترام به فرآیندهای حقوقی و قضاوت‌های مستقل بینجامد. فرهنگ عمومی در ایران ممکن است بر روی موضوعاتی مانند حقوق بشر و نسبت آن با فرهنگ اسلامی تأثیرگذار باشد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵). مجموعه این موانع فرهنگی و اجتماعی در نهایت به یک فضای عمومی منفی نسبت به حقوق بین‌الملل منتج می‌شود و به این ترتیب، موجب می‌شود که مقامات قضائی و قانونی به‌جای پذیرش و اجرای تعهدات بین‌المللی، به اولویت‌های داخلی و اجتماعی خود توجه بیشتری داشته باشند. در این راستا، نهادهای مدنی و فعالان حقوق بشر می‌توانند نقش مؤثری در آگاهی‌بخشی و آموزش جامعه ایفا کنند، اما این نیز

نیازمند حمایت گسترده‌تری است. به‌منظور رفع این موانع، باید تلاش‌های مستمری در زمینه اصلاحات فرهنگی و اجتماعی صورت گیرد. این تلاش‌ها باید شامل برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها باشد تا نسبت به اهمیت حقوق بشر و حقوق بین‌الملل در سطح جامعه آگاهی لازم ایجاد شود. همچنین، ایجاد بسترهای گفت‌وگو بین نهادهای مذهبی، اجتماعی و حقوقی می‌تواند به پیشبرد این موضوع کمک کند (افروغ، ۱۳۹۳: ۹۱). رسیدن به یک توازن بین ارزش‌های فرهنگی ایرانی و تعهدات بین‌المللی، نیازمند گفت‌وگوهای جدی و مستمر در سطح جامعه، به‌ویژه بین نهادهای دولتی و غیر دولتی است. این تبادل نظرها می‌توانند به ایجاد یک رویکرد جامع و حامی حقوق بشر در راستای اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کمک کند.

۲-۲- موانع حقوق بشری و بشردوستانه

موانع حقوق بشری و بشردوستانه در ایران به‌ویژه در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی این کشور به‌دلیل محدودیت‌های قانونی، نظام قضائی و ساختار سیاسی، به‌طور خاصی خود را نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، عدم تطابق برخی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است. برخی از تضادهای قانونی مانع از اجرای مؤثر اصول حقوق بشری در محاکم داخلی می‌شود (خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۹۶). وجود کارزارها و فشارهای اجتماعی بر روی نهادهای حقوقی و قضائی به‌طور قابل توجهی مانع از احترام به حقوق بشری می‌شود. به‌ویژه در مواقعی که مسائلی مانند آزادی بیان و حقوق اقلیت‌ها در دستور کار قرار می‌گیرند، انتقادات اجتماعی به شدت می‌توانند بر روی نحوه بررسی و قضاوت قضات تأثیرگذار باشند. این واقعیت منجر به خطرات حقوق بشری و نگرانی‌هایی در مورد بی‌طرفی قضائی و اجرای عادلانه قانون می‌شود. علاوه بر این، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند تأثیر منفی بر روی اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشر داشته باشد (حارث یاسی، ۱۴۰۱: ۳۸). برخی از مفاهیم حقوق بشری به دلیل فرهنگی خاص و برداشت‌های مذهبی، ممکن است از جانب جامعه به‌عنوان تهدید تلقی شوند. این موضوع می‌تواند به عدم استقبال از بنیادهای حقوق بشری و مشکلات جدی در اجرای آن‌ها در محاکم داخلی منجر شود. به‌ویژه در مواردی که حقایق قانونی با باورهای مذهبی در تعارض قرار می‌گیرند، جامعه ممکن است با مفهوم حقوق بشر به‌عنوان یک اصل ناخوشایند مواجه شود. در راستای این چالش‌ها، نیاز به تقویت و حمایت از

نهادهای حقوق بشری در ایران احساس می‌شود. نهادهای مدنی و اجتماعی که به منظور پیگیری حقوق انسان‌ها تأسیس شده‌اند، باید مورد حمایت دولتی قرار بگیرند. نبود فضای مناسب برای فعالیت‌های این نهادها می‌تواند به ناهماهنگی جدی در زمینه حقوق بشری و نحوه انعکاس آن در محاکم منجر شود. در نتیجه، تلاش برای ایجاد فضایی دوستانه و حامی برای نهادهای مدنی می‌تواند به پیشبرد مسایل حقوق بشری کمک کند. همچنین، ایجاد گفت‌وگوهای فرهنگی و اجتماعی و برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه حقوق بشر می‌تواند به اتخاذ تصمیمات مبتنی بر اصول انسانی و بین‌المللی کمک کند (جهانی، ۱۳۹۹: ۷۸). یکی از راه‌های مؤثر برای تغییر این موانع، تشویق جوانان و فرهنگ‌سازان به درک عمق مفاهیم حقوق بشری و ترغیب آنها به استفاده از این حقوق در زندگی روزمره باشد. بدین وسیله، بتدریج آگاهی و پذیرش اجتماعی نسبت به حقوق بین‌الملل در بین شهروندان و نهادهای دولتی افزایش خواهد یافت.

۳- چالشهای نظام حقوقی عراق

نظام حقوقی عراق با چالش‌های متعددی در اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خود مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، عدم هماهنگی میان قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی است. اگرچه عراق به بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ملحق شده است، اما قوانین داخلی غالباً به روزرسانی نشده‌اند یا به صورت مستقیم با این تعهدات منطبق نیستند، که منجر به تناقض در روند دادرسی می‌شود (العسکری، ۲۰۱۶: ۹۴). چالش دیگر، وابستگی شدید نظام حقوقی به تحولات سیاسی کشور است. بی‌ثباتی سیاسی و مداخلات دولت و جناح‌های مختلف در امور قضایی باعث می‌شود استقلال دستگاه قضا و اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی تضعیف شود. این مداخله‌ها به‌ویژه در پرونده‌هایی که جنبه حقوق بشری یا جنایات جنگی دارند، آشکار است. همچنین، فقدان آموزش کافی در زمینه حقوق بین‌الملل برای قضات و وکلای دیگر از موانع جدی است. بسیاری از قضات عراقی آشنایی عمیقی با اصول و قوانین بین‌المللی ندارند و این مسئله اغلب به تفسیر نادرست یا عدم استناد به تعهدات بین‌المللی در پرونده‌های داخلی منجر می‌شود. نقش پررنگ نظام‌های قبیله‌ای و عرفی نیز چالشی دیگر است. در بسیاری از مناطق عراق، به‌ویژه مناطق مرزی یا مناطقی با نفوذ بالای قبیله‌ای، رسیدگی به دعاوی هنوز تابع قوانین عرفی و سنت‌های محلی است، که با

اصول حقوق بین‌الملل متعارض است (خطاب، ۲۰۱۷: ۷۳). این عدم انسجام حقوقی باعث تضعیف اجرای این حقوق در محاکم داخلی می‌شود. در نهایت، ضعف در نهادهای نظارتی و اجرایی مرتبط با حقوق بین‌الملل از جمله دستگاه نظارت بر اجرای تعهدات بین‌المللی، یکی دیگر از چالش‌های مهم عراق است. عدم وجود نهادهای قدرتمند و مستقل موجب می‌شود که اجرای حقوق بین‌الملل به صورت نظام‌مند و مؤثری انجام نشود. تقویت این نهادها و ارتقاء آگاهی عمومی درباره اهمیت پایبندی به حقوق بین‌الملل می‌تواند گامی مهم در رفع این مشکلات باشد.

۱-۳- موانع قانونی و اجرایی

کشور عراق در اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خود با موانع قانونی و اجرایی متعددی دست و پنجه نرم می‌کند. یکی از چالش‌های اساسی، عدم هماهنگی بین قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی عراق است. بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی که عراق به آنها ملحق شده است، در قوانین داخلی به‌طور کامل و مؤثر انعکاس نیافته‌اند. این عدم هماهنگی، تفسیر و اجرای صحیح حقوق بین‌الملل را در محاکم داخلی با مشکل مواجه می‌کند. گاهی اوقات قوانین داخلی با مفاد معاهدات بین‌المللی مغایرت داشته و در عمل، قانون داخلی بر تعهدات بین‌المللی ارجحیت می‌یابد. ساختار پیچیده نظام حقوقی کشور عراق نیز مانع دیگری است (کجی، ۲۰۱۹: ۶۵). وجود منابع مختلف حقوقی، از جمله قوانین مدنی، قوانین جزایی، قوانین مذهبی و عرف‌های محلی، باعث سردرگمی و عدم قطعیت حقوقی شده و اجرای یکنواخت حقوق بین‌الملل را دشوار می‌سازد. این پیچیدگی، به ویژه در مواردی که قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی با هم تعارض دارند، مشکل‌آفرین است. ضعف در استقلال قوه قضائیه عراق یکی دیگر از موانع اصلی است. مداخلات سیاسی و فشارهای مختلف بر دستگاه قضایی، به استقلال و بی‌طرفی قضات آسیب می‌رساند و آنها را در اجرای بی‌طرفانه حقوق بین‌الملل محدود می‌کند (طارق، ۲۰۱۸: ۳۲). این مداخلات می‌تواند به شکل‌های مختلف، از جمله فشارهای سیاسی مستقیم، تهدیدات امنیتی، یا اعمال نفوذ غیرمستقیم توسط نهادهای قدرتمند، بروز نماید.

کمبود منابع و امکانات در سیستم قضایی عراق، مانع دیگر در اجرای حقوق بین‌الملل است. نبود منابع مالی کافی، کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص در حوزه حقوق بین‌الملل، و عدم دسترسی به فناوری‌های لازم، باعث ضعف در عملکرد محاکم در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با حقوق

بین‌الملل می‌شود. این کمبودها به‌ویژه در مناطق دورافتاده یا مناطق با درگیری‌های مسلحانه محسوس‌تر است. آموزش ناکافی قضات و وکلا در زمینه حقوق بین‌الملل نیز چالشی جدی است. اکثر قضات و وکلا از آگاهی و مهارت کافی در زمینه حقوق بین‌الملل برخوردار نیستند و این امر باعث تفسیر نادرست قوانین بین‌المللی و عدم استناد صحیح به آنها در محاکم می‌شود (العبادی، ۱۴۰۳: ۷۰). برنامه‌های آموزشی منظم و گسترده در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. ضعف در زیرساخت‌های قانونی و اجرایی نیز نقش مهمی در این موضوع ایفا می‌کند. نبود قوانین و مقررات روشن و شفاف در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل، و همچنین ضعف در مکانیسم‌های نظارت و پاسخگویی، مانع از عملکرد صحیح سیستم قضایی در این حوزه می‌شود. این موضوع به‌ویژه در مورد اجرای احکام بین‌المللی و همکاری‌های قضایی بین‌المللی اهمیت دارد. علاوه بر این، نفوذ نهادهای غیرقانونی و گروه‌های مسلح در برخی مناطق عراق، اجرای عدالت و حقوق بین‌الملل را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند (الکعبی، ۱۴۰۱: ۶۹). این گروه‌ها ممکن است از اجرای قولین داخلی و تعهدات بین‌المللی عراق جلوگیری کرده و در مواردی، سیستم قضایی را به طور کامل کنترل کنند.

همچنین، فرهنگ اجتماعی و سنتی حاکم بر برخی مناطق عراق نیز می‌تواند مانع از اجرای کامل حقوق بین‌الملل شود. عرف‌ها و سنت‌های محلی ممکن است با اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان، مغایرت داشته باشد. تغییر این فرهنگ نیازمند زمان و تلاش فراوان است. عدم وجود همکاری‌های قضایی مؤثر با سایر کشورها نیز مشکلاتی را به وجود آورده است. عدم تبادل اطلاعات و عدم اجرای احکام بین‌المللی به دلیل مشکلات اداری یا سیاسی، مانع از پیگیری پرونده‌ها و اجرای عدالت می‌شود. تقویت همکاری‌های قضایی بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. نبود نهادهای مستقل و کارآمد برای نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل، موجب ضعف در این زمینه شده است. نهادهایی که مسئول نظارت بر اجرای قوانین و تعهدات بین‌المللی هستند، اغلب فاقد استقلال، قدرت و منابع کافی هستند و در نتیجه، نمی‌توانند به طور مؤثر عمل کنند. تقویت این نهادها و ارتقای توانمندی‌های آنها ضروری است (السمهوری، ۲۰۱۹: ۸۰). به طور خلاصه، اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل در عراق مستلزم اصلاحات گسترده در نظام حقوقی، تقویت استقلال قوه قضائیه، افزایش آموزش و آگاهی، بهبود زیرساخت‌ها و نهادهای نظارتی و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی است.

۲-۳- موانع فرهنگی و اجتماعی

کشور عراق با موانع فرهنگی و اجتماعی متعددی در اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خود مواجه است که این موانع تأثیرات عمیقی بر چگونگی رسیدگی به قضایای حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی دارند. یکی از مهم‌ترین موانع، ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی است که در جوامع محلی وجود دارد. بسیاری از مردم به سنت‌ها و عرف‌های محلی وابسته هستند و در برخی موارد، این عرف‌ها با اصول حقوق بین‌الملل مغایرت دارند. این تضاد بین فرهنگ محلی و نهادهای قضائی بین‌المللی، به مقاومت‌های اجتماعی در برابر اجرای حقوق بین‌الملل می‌انجامد. نفوذ نهادهای مذهبی نیز یکی دیگر از موانع جدی به شمار می‌رود. در عراق، مذهب نقش مهمی در زندگی روزمره و تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. این نفوذ گاهی اوقات بر اعمال حقوق بشر و حقوق بین‌الملل اثر منفی می‌گذارد، زیرا برخی مفاهیم حقوقی ممکن است با اصول و آموزه‌های مذهبی در تضاد باشند. در نتیجه، مداخله نهادهای مذهبی می‌تواند به ایجاد محدودیت‌هایی در پذیرش معاهدات بین‌المللی و اجرای آن‌ها منجر شود. تعصبات قومی و فرقه‌ای نیز از دیگر موانع فرهنگی در کشور عراق هستند (صبر صبر، ۱۴۰۲: ۵۰). برای بسیاری از مردم، هویت قومی و مذهبی نسبت به هویت ملی و تعهدات بین‌المللی اهمیت بیشتری دارد و این امر باعث می‌شود که حقوق فردی و جمعی در چارچوب منافع قومی و فرقه‌ای محدود شود. این تعصبات مانع از همکاری و پذیرش حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی می‌شود و به تداوم رفتارهای تبعیض‌آمیز و نابرابر منجر می‌گردد. ترس از پیامدهای اجتماعی نیز مانعی جدی در پذیرش و اجرای حقوق بین‌الملل است. افرادی که به دنبال اجرای حقوق بین‌الملل هستند، ممکن است با واکنش‌های منفی از طرف جامعه یا خانواده خود مواجه شوند. این ترس از قضاوت منفی و طرد اجتماعی، به ویژه در جوامع کوچک و نزدیک به هم، می‌تواند تولدایی افراد را برای پیگیری حقوق انسانی به شدت محدود کند و از آنها جلوگیری کند. عدم آگاهی عمومی درباره حقوق بین‌الملل و منشورهای مرتبط نیز چالشی بزرگ به شمار می‌رود. بسیاری از مردم عراق از حقوق بین‌الملل و افرادی که مسئولیت اجرای آن‌ها را دارند، اطلاعات کافی ندارند (صبر صبر، ۱۴۰۲: ۵۵). این کمبود آگاهی، مانع از مشارکت فعال شهروندان در دفاع از حقوق خود و پیگیری شکایات قانونی می‌شود. برای برطرف کردن این مشکل، وجود برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخش در سطح جامعه الزامی است.

سازوکارهای اجتماعی و نظارت از سوی نهادهای مدنی نیز نقش مهمی در پیشبرد حقوق بین‌الملل دارند. با این حال، وجود نهادهای ضعیف مدنی و نبود فضای باز برای فعالیتهای مدنی موجب تضعیف توانایی این نهادها در نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل می‌شود. در واقع، نهادهای مدنی باید تقویت شوند تا بتوانند نقشی فعال در پشتیبانی از حقوق بشری ایفا کنند. محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی در عراق، که ناشی از سال‌ها جنگ و بی‌ثباتی هستند، به مشکلات فرهنگی و اجتماعی دامن می‌زنند. بیکاری، فقر، و عدم دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی باعث می‌شود که افراد اولویت‌های دیگری غیر از حقوق بشر و حقوق بین‌الملل داشته باشند (الساعدی، ۲۰۰۵: ۶۴). در چنین شرایطی، تحقق حقوق بین‌الملل به عنوان یک هدف ثانوی در نظر گرفته می‌شود. در بعضی مواقع، رسانه‌ها نیز در تحت تأثیر قرار دادن نگرش‌های اجتماعی نسبت به حقوق بین‌الملل نقش منفی ایفا می‌کنند. در حالی که رسانه‌ها می‌توانند به ترویج آگاهی درباره حقوق بشر کمک کنند، برخی از آنها به انتشار اطلاعات نادرست یا تعصبات قومی و مذهبی در زمینه حقوق بین‌الملل می‌پردازند (الهداوی، ۲۰۱۵: ۷۴). این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد نگرش‌های منفی نسبت به حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی شود. استفاده از زبان و اصطلاحات پیچیده حقوقی نیز می‌تواند به عنوان مانع مطرح شود. بسیاری از مردم عادی توانایی درک مفهوم حقوق بین‌الملل را ندارند و این امر باعث ایجاد فاصله بین حقوق بین‌الملل و زندگی روزمره‌شان می‌شود. ساده‌سازی زبان و ایجاد منابع آموزشی در این زمینه می‌تواند به درک عمومی از حقوق بین‌الملل کمک کند.

تاریخ تجارب تلخ و ناکامی‌های گذشته عراق نیز به ایجاد بدبینی نسبت به نهادهای بین‌المللی و مفاهیم حقوق بشر منجر شده است. بسیاری از عراقی‌ها نسبت به نهادهای بین‌المللی و وعده‌های آنها بی‌اعتماد هستند و این بی‌اعتمادی می‌تواند مانع از پذیرش و اجرای اصول حقوق بین‌الملل گردد. برای بهبود این وضعیت، نیاز به تعامل مؤثر و مثبت با نهادهای بین‌المللی و جلب اعتماد عمومی می‌باشد. تاریخ پر از خشونت و درگیری‌های مسلحانه در کشور عراق، به شکل‌گیری یک فرهنگ صلح و همزیستی کمک نمی‌کند. در چنین محیطی، مردم به جای تمرکز بر حقوق بشر، به امنیت و بقا توجه بیشتری دارند. این اولویت می‌تواند به محدود شدن تلاش‌ها برای پیگیری حقوق بین‌الملل منجر شود (الکعبی، ۱۴۰۱: ۱۰۱). چالش‌های مربوط به نقش زنان در جامعه نیز مانع دیگری به شمار می‌رود. حقوق زنان در بسیاری از زمینه‌ها به خوبی رعایت نمی‌شود و این موضوع به ایجاد نابرابری‌های

جنسیتی منجر می‌گردد. این نابرابری‌ها نه تنها بر وضعیت زنان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر جامعه به‌طور کلی و اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم نیز تأثیر گذار است. به‌علاوه، وجود گروه‌های اجتماعی و فرقه‌های مختلف، که به دنبال حفظ هویت فرهنگی خود هستند، می‌تواند به دامن زدن به تنش‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود. این تنش‌ها در نهایت به مانع‌تراشی در مسیر اجرای حقوق بین‌الملل در کشور کمک می‌کند (الشافعی، ۲۰۱۰: ۱۵۴). در چنین فضایی، همکاری و تعامل بین جوامع مختلف دشوار خواهد بود. توسعه فرهنگی و اجتماعی که به تقویت حقوق بشر متمرکز باشد، از ضروریات عراق در راستای تأمین و اجرای حقوق بین‌الملل است. برای مقابله با این موانع، نیاز به تلاش مشترک نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی، و جامعه مدنی می‌باشد. این تلاش‌ها باید شامل برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل باشد. در مجموع، اجرای حقوق بین‌الملل در عراق تحت تأثیر موانع فرهنگی و اجتماعی متعددی قرار دارد. این موانع به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی، تاریخی، و اقتصادی، نیازمند توجه و اقدامات جدی هستند. با فراهم کردن بستری مناسب برای آموزش و آگاهی جامعه، تقویت نهادهای مدنی و حقوقی، و ایجاد فضای مناسب برای گفتگو و تعامل، می‌توان به سمت بهبود وضعیت اجرای حقوق بین‌الملل در عراق گام برداشته و به تحقق حقوق بشر نزدیک‌تر شد.

۳-۳- موانع حقوق بشری و بشردوستانه

عراق با موانع حقوق بشری و بشردوستانه متعددی در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خود مواجه است. یکی از مهم‌ترین موانع، وضعیت امنیتی ناپایدار کشور است. در چند دهه اخیر، عراق با بحران‌های امنیتی و درگیری‌های مسلحانه فراوانی روبرو بوده است که این وضعیت به شدت بر حفظ حقوق بشر و اجرای تعهدات بین‌المللی تأثیر گذاشته است. نبود امنیت کافی باعث شده است که بسیاری از افراد نه‌تنها قادر به پیگیری حقوق خود نباشند، بلکه در معرض خطرات جدی ناشی از خشونت‌ها، تروریسم و تهدیدات امنیتی قرار بگیرند. نقص در سیستم قضائی نیز به عنوان مانع دیگری در اجرای حقوق بشری در عراق مطرح است. دستگاه قضائی به دلیل کمبود منابع، ضعف در آموزش قضات، و تأثیرات سیاسی و اجتماعی، معمولاً قادر به تأمین حقوق بشر به‌طور مؤثر نیست (اسلامی، ۱۴۰۲: ۹۸). فقدان استقلال قضائی موجب می‌شود که قضات تحت فشار سیاسی قرار بگیرند و در نتیجه، بسیاری از پرونده‌های حقوق بشری به‌خوبی بررسی نشوند. این مسئله به

کاهش اعتماد عمومی به سیستم قضائی و حقوق بشری منجر می‌گردد. تبعیض‌های قومی و مذهبی نیز به شدت بر وضعیت حقوق بشر در عراق تأثیر گذاشته است. گروه‌های مختلف قومی و مذهبی به‌خصوص در زمینه‌های حقوقی و حملیتی تحت تبعیض قرار دارند. این تبعیض‌ها معمولاً در قضاوت‌ها و فرآیندهای قضائی مشهودند و کیفیت عدالت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند زنان، اقلیت‌های مذهبی، و افراد با نیازهای خاص، در این نظام تحت فشار قرار دارند و حقوقشان نادیده گرفته می‌شود.

خودسانسوری و ترس از عواقب اجتماعی و سیاسی، به ویژه در مسائلی که مربوط به حقوق بشر و انتقادات از دولت است، یکی دیگر از مانع‌های عمده در عراق محسوب می‌شود. فعالان حقوق بشر، خبرنگاران و مدافعان اجتماعی ممکن است به دلیل انتقادات خود مورد تهدید یا آزار قرار بگیرند. این جو ترس و تهدید باعث می‌شود که بسیاری از افراد حاضر به پیگیری حقایق حقوق بشری و گزارش‌دهی در مورد نقض‌های آن نباشند. در نتیجه، وضعیت حقوق بشر بهبود نمی‌یابد و مشکلات ادامه می‌یابند. عدم وجود قوانین و سیاست‌های روشن و مؤثر در زمینه حقوق بشر نیز مانع دیگر قوی در عراق است (العبادی، ۱۴۰۳: ۱۳۵). در حالی که برخی قوانین وجود دارند که حمایت از حقوق بشر را تشویق می‌کنند، اما اجرای این قوانین غالباً ناپایدار است. این مشکلات باعث می‌شود که در عمل، حقوق بشر به‌خوبی رعایت نشود و بسیاری از موارد نقض حقوق بشر بدون پیگیری و پاسخگویی باقی بمانند. فقدان آگاهی عمومی درباره حقوق بشر نیز یکی دیگر از چالش‌های جدی در عراق است. بسیاری از افراد از حقوق خود در برابر قوانین و نهادهای داخلی بی‌خبرند و به همین دلیل توانایی دفاع از حقوق خود را ندارند. این کمبود آگاهی باعث می‌شود که نقض‌های حقوق بشری به راحتی در جامعه پذیرفته شوند و افراد نسبت به حقوق خود بی‌تفاوت باشند (کجی، ۲۰۱۹: ۱۰۴). برنامه‌های آموزشی می‌تواند به بهبود وضعیت آگاهی عمومی کمک کند.

علاوه بر این، وضعیت اقتصادی دشوار عراق نیز به‌طور مستقیم بر وضعیت حقوق بشری تأثیر گذاشته است. فقر و بیکاری باعث می‌شود که افراد اولویت‌های دیگری، از جمله حفظ امنیت و تأمین نیازهای اولیه، بیشتر از پیگیری حقوق بشر داشته باشند. این شرایط دشوار زندگی، افراد را از توجه به مسائل حقوق بشری و دفاع از حقوق خود مأیوس می‌کند و در نتیجه اجرای حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرات منفی مداخلات خارجی نیز یک چالش جدی در زمینه حقوق بشر در عراق است. در برخی

موارد، مداخلات خارجی نه تنها به بهبود وضعیت امنیتی و حقوق بشری کمک نکرده است، بلکه باعث ایجاد تنش‌های بیشتر و نقض‌های حقوق بشری شده است (سعدی، ۲۰۱۰: ۶۵). این چالش‌ها موجب بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای بین‌المللی و حقوق بشر می‌شود و تاثیر منفی بر روند اجرای حقوق بشری در کشور دارد. وضعیت حقوق زنان در عراق نیز بحرانی است و به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ در زمینه حقوق بشری مطرح می‌باشد. زنان غالباً با تبعیض، خشونت و سوءاستفاده‌های اجتماعی و قانونی مواجه هستند. ناقص بودن قوانین حمایت از حقوق زنان، مانند عدم وجود قوانین مؤثر در مبارزه با خشونت خانگی، به ایجاد فضای ناعادلانه و خطرناک برای زنان منجر می‌شود (صبر صبر، ۱۴۰۲: ۹۶). این موارد به کاهش فرصت‌های زنان در مشارکت اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند و در نتیجه تأثیر منفی بر تلاش‌های بشر دوستانه دارد.

۴- مقایسه چالش‌ها در نظام حقوقی ایران و عراق

در زمینه اجرای حقوق بین الملل در محاکم کشورهای ایران و عراق تفاوتها و شباهتهایی وجود دارد:

۴-۱- شباهتها

نظام حقوقی کشورهای ایران و عراق، به رغم تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی عمیق، دارای شباهت‌های قابل توجهی در زمینه چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی هستند. هر دو کشور به دلیل جغرافیا و تاریخ مشترک، به شدت تحت تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی قرار دارند که این امر موجب می‌شود مشکلات مشابهی در تطابق با اصول حقوق بین‌الملل را تجربه کنند. یکی از این شباهت‌ها، وجود اراده سیاسی ناکافی برای اجرای مؤثر تعهدات بین‌المللی است. در هر دو کشور، دولتمردان به دلیل اولویت‌های داخلی و سیاسی ممکن است از اقدام در راستای اجرای حقوق بین‌الملل غفلت کنند، که این امر منجر به نادیده گرفتن مؤلفه‌های حقوق بشری در سطح ملی می‌شود. عدم هماهنگی بین سیستم‌های قضائی و قوانین ملی با حقوق بین‌الملل نیز از دیگر شباهت‌های دو کشور است (شاه حسینی، ۱۴۰۱: ۷۰). در هر دو نظام، قوانین داخلی به طور کامل با معاهدات بین‌المللی هماهنگ نیستند و این عدم تطابق می‌تواند به تضعیف اصول حقوق بشری منجر شود. همچنین، در هر دو کشور، قضات و مقام‌های قضائی ممکن است تحت تأثیر نهادهای قدرتمند سیاسی و اجتماعی قرار بگیرند که به نوبه خود بر ارزیابی و اجرای حقوق بین‌الملل تأثیر منفی می‌گذارد. مسأله فرهنگی و اجتماعی در

هر دو کشور نیز به‌عنوان موانع عمده در اجرای حقوق بین‌الملل مطرح هستند. در هر دو فرهنگ، سنت‌ها و رسوم محلی ممکن است بر روش‌های حقوقی تأثیرگذار باشند و به نهادهای رسمی قضائی اهمیت کمتری داده شود (صبر، ۱۴۰۲: ۱۱۷). این موضوع می‌تواند منجر به نادیده‌گرفتن حقوق افراد آسیب‌پذیر، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر، شود و به سلول‌های اجتماعی مختلف شکل بخشد که التزام به حقوق بین‌الملل را زیر سؤال می‌برد.

علاوه بر این، عدم آگاهی عمومی نسبت به حقوق بین‌الملل و حقوق بشر در هر دو کشور شایع است. اکثریت مردم اطلاعات کافی نسبت به حقوق خود و تعهدات بین‌المللی دولت‌های خود ندارند و این فقدان آگاهی به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا از حقوق خود به‌طور مؤثر دفاع کنند. به همین دلیل، در دو کشور افرادی که قربانی نقض حقوق بشر هستند معمولاً از پیگیری قانونی خود ناامید می‌شوند. نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های حقوق بشری نیز در هر دو کشور محدود است. در کشورهای ایران و عراق، بارها این نهادها به‌دلیل فشارهای سیاسی، محدودیت‌های مالی و نبود فضای مناسب حقوق بشری، قادر به فعالیت‌های مؤثر نیستند. این که نهادهای مدنی برای تأمین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل با چالش‌های جدی روبرو هستند، جمعیت‌های آسیب‌پذیر را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و مانع از اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل می‌شود. مداخله سیاسی در نهادهای قضائی نیز یکی از ویژگی‌های مشترک در این دو کشور است (شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۲۸۶). در هر دو مقام‌های دولتی می‌توانند بر روندهای قضائی تأثیر بگذارند و این امر می‌تواند به تضعیف استقلال قضائی و اجرای صحیح حقوق بین‌الملل منجر شود. این مسئله باعث کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی می‌گردد و به‌طور مستقیم بر نحوه اجرای حقوق بین‌الملل تأثیرگذار است.

چالش‌های مربوط به حقوق اقلیت‌ها و آسیب‌پذیران در هر دو کشور نیز قابل مقایسه است. در کشورهای ایران و عراق، مخصوصاً عراق، اقلیت‌های قومی و مذهبی غالباً با تبعیض‌های اجتماعی و نابرابری‌های حقوقی مواجه هستند. این تبعیض‌ها می‌تواند دسترسی آن‌ها به عدالت و حمایت از حقوق بشر را محدود کند و به نقض‌های حقوق بشری از سوی مقامات قانونی و انتظامی دامن بزند. وجود قوانین متناقض و عدم یک‌نواختی در اجرای آن‌ها در هر دو کشور از دیگر چالش‌های اساسی است. گاهی اوقات، قوانین داخلی با اصول حقوق بین‌الملل هم‌خوانی ندارد و این تناقض می‌تواند باعث شکاف بین سیاست‌های دولتی و واقعیت‌های حقوقی شود (پیوندی، ۱۴۰۱: ۱۴۱). به طوری که در عمل، این شکاف مانع از تحقق اصلی حقوق بشر و حقوق

بین‌الملل می‌شود. گزارش‌دهی در مورد نقض‌های حقوق بشر نیز به مشکلات جدی در هر دو کشور منجر شده است. در هر دو نظام حقوقی، مخصوصاً عراق به علت وضعیت امنیت این کشور، فعالان حقوق بشر و خبرنگاران در معرض خطر تهدید و آزار قرار دارند، که این موضوع می‌تولند از افشای واقعیت‌های مربوط به نقض حقوق بشر جلوگیری کند. این محیط سرکوبگر مانع از افزایش آگاهی عمومی و نظارت بر نهادهای مسئول می‌شود.

عوامل اقتصادی نیز به‌طور چشمگیری بر چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در هر دو کشور تأثیر می‌گذارند. در شرایطی که معضلات اقتصادی از جمله بیکاری، فقر و عدم دسترسی به خدمات پایه وجود دارد، به‌دست آوردن حقوق بشر و تأمین حقوق بین‌الملل به حاشیه می‌رود. در چنین شرایطی، مردم به‌جای پیگیری حقوق خود، در تلاش برای تأمین معیشت خود هستند. شکاف‌های زبانی و فرهنگی نیز به مشکلات موجود در اجرای حقوق بین‌الملل در ایران و عراق دامن می‌زنند. در کشورهایی که دارای تنوع قومی و زبانی هستند، فقدان ترجمه‌های معتبر و یا عدم دسترسی به اطلاعات حقوقی صحیح ممکن است موجب ناهماهنگی در پیاده‌سازی حقوق بین‌الملل شود (موسوی، ۱۴۰۰: ۶۹). این مسأله بر فهم و تفسیر قوانین تأثیر می‌گذارد و به نوعی مقامات قضائی را از برخورد صحیح با مسائل بین‌المللی باز می‌دارد. در نهایت، تاریخچه ناپایداری سیاسی و نظامی در هر دو کشور باعث ایجاد محیطی ناپایدار برای اجرای حقوق بین‌الملل شده است. بحران‌های سیاسی و نظامی بر فرآیندهای قضائی تأثیرگذار بوده و در بسیاری از موارد، اجرای حقوق بین‌الملل به دلیل اولویت‌های فوری سیاسی و امنیتی نادیده گرفته می‌شود. این وضعیت منجر به افزایش نقض‌های حقوق بشری و محدودیت‌های بیشتری در پیگیری حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خواهد شد (نیک‌روش رستمی، ۱۳۹۶: ۵۹). به‌طور کلی، شباهت‌های موجود در نظام حقوقی ایران و عراق در زمینه چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی به‌ویژه به مسئله‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی مربوط می‌شود که در هر دو کشور تأثیر عمیقی بر وضعیت حقوق بشر و نهادهای قضائی دارند. از این رو، برای بهبود وضعیت حقوق بشر و اجرای حقوق بین‌الملل، نیاز به اتخاذ استراتژی‌های مؤثر و جامع در هر دو کشور احساس می‌شود.

-نظام حقوقی کشورهای ایران و عراق هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که بر چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی تأثیرگذارند:

-یکی از تفاوت‌های اساسی میان این دو کشور، ریشه‌های فقهی و قانونی آن‌هاست. در ایران، سیستم حقوقی عمدتاً بر اساس فقه اسلامی و به ویژه مکتب تشیع شکل گرفته است (نساجی زواره، ۱۳۹۷: ۶۵)، در حالی که عراق به دنبال سقوط رژیم صدام حسین، به سمت بازسازی سیستم حقوقی خود بر اساس متون و معاهدات بین‌المللی حرکت کرده است (صبر صبر، ۱۴۰۲: ۱۸۴). این موضوع باعث می‌شود که برخی مفاهیم حقوقی در کشور ایران به‌ویژه به شدت تحت تأثیر دین و فقه اسلامی باشند، در حالی که در عراق ممکن است قانون‌گذاری بیشتر بر مبنای اصول مدرن حقوق بشر و حقوق بین‌الملل قرار داشته باشد.

-چالش‌های سیاسی و امنیتی نیز به‌عنوان تفاوت دیگری در هر یک از این کشورها بروز می‌کند. کشور ایران به دلیل فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی دچار عدم پایداری در شرایط اقتصادی و تعهدات بین‌المللی خود است (ناصرپور، ۱۴۰۳: ۵۸). در مقابل، کشور عراق با مشکلات مداوم مربوط به درگیری‌های مسلحانه و بی‌ثباتی سیاسی ناشی از جنگ و تروریسم مواجه است (کرم زاده و عابدینی، ۱۳۹۹: ۲۲۵). این تفاوت‌ها به شکل متفاوتی بر اراده سیاسی و توانایی هر کشور در اجرای حقوق بین‌الملل تأثیر می‌گذارد و وجود نهادهای مستقل قضائی و نظارت بر حقوق بشر نیز در دو کشور به گونه‌ای متفاوت است.

-در کشور ایران، تعهدات بین‌المللی و حقوق بشر به‌ندرت در دادگاه‌ها به‌عنوان معیارهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند (کبیری دهکردی و نادری فارسانی، ۱۴۰۳: ۱۹)؛ در حالی که در کشور عراق، تلاش‌هایی برای اصلاح نظام قضائی و پیوند دادن آن با حقوق بین‌الملل انجام شده است (طارق، ۲۰۱۸: ۷۸)، به طوری که این کشور ممکن است از منظر سیاسی و حقوقی برای پذیرش اصول بین‌المللی بازتر باشد.

-دیگر تفاوت مهم در رویکرد به نهادهای غیردولتی و سازمان‌های اجتماعی در کشورهای ایران و عراق است. در کشور ایران، فعالیت‌های نهادهای مدنی به‌ویژه در زمینه حقوق بشر تحت نظارت شدید دولت قرار دارد و این امر می‌تواند مانع از آزادی‌های مدنی و حقوقی شود (اسلامی، ۱۴۰۲: ۱۳۶)؛ اما در کشور عراق، فشار بر نهادهای مستقل و فعالان حقوق بشر به‌طور کلی اما در زمان‌های خاصی بیشتر وجود دارد، که زمینه‌ای برای کار آن‌ها فراهم

می‌کند(العبادی، ۱۴۰۳: ۱۵۷). صرف‌نظر از این، آموزش و آگاهی عمومی در هر دو کشور در زمینه حقوق بین‌الملل متفاوت است.

-تفاوت‌های اقتصادی نیز بر چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل تأثیرگذار است؛ کشور ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی با مشکلات اقتصادی جدی مواجه است که موجب محدودیت منابع مالی برای سیستم قضائی و نهادهای حقوق بشری می‌شود(عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۱۴). عراق هم با مشکلاتی مانند فساد و عدم دسترسی به منابع مالی مواجه است، اما شاید به دلیل کمک‌های بین‌المللی، به نسبت ایران، شرایط بهتری برای راه‌اندازی سیستم‌های حقوقی و ارتقاء آگاهی حقوقی در جامعه وجود داشته باشد(ماخوله علیا، ۱۴۰۱: ۱۶۵).

-در مجموع در کشورهای ایران و عراق، مسائل مربوط به امنیت ملی و اولویت‌های سیاسی می‌تواند بر اجرای حقوق بین‌الملل تأثیر عمیق بگذارد. دولت‌ها ممکن است به دلیل مسائل امنیتی، حقوق بین‌الملل را نادیده بگیرند. در کشور ایران، اولویت‌های امنیت ملی می‌تواند تعهدات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد؛ در حالی که در کشور عراق، تجربه‌های تلخ از ناامنی‌های داخلی و خارجی می‌تواند باعث نادیده گرفتن حقوق بشر شود(حسینی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

به‌طور کلی، تفاوت‌های موجود در نظام حقوقی ایران و عراق در زمینه چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل بر اساس ابعاد فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و برای بهبود این وضعیت، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ در هر دو کشور احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی کشورهای ایران و عراق به عنوان دو کشور با تاریخ و فرهنگ مشترک، اما سیستم‌های حقوقی متفاوت، با چالش‌های خاصی مواجه است. نظام حقوقی کشور ایران بر اساس اصول اسلامی بنا شده دارد و به همین دلیل برخی از قوانین داخلی ممکن است با تعهدات بین‌المللی در تضاد باشند. در مقابل، عراق پس از تغییرات سیاسی و اجتماعی متعدد، نظام حقوقی خود را به طور مداوم تطبیق می‌دهد، اما معمولاً با ناهماهنگی بین‌قوانینی و عدم ثبات سیاسی مواجه است. این شرایط می‌تواند سبب تضاد در اجرای حقوق بشر و حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی هر دو کشور شود. یکی از چالش‌های عمده در هر دو کشور، عدم انسجام قوانین داخلی و بین‌المللی است. در کشور ایران، برخی از قوانین داخلی بر پایه تعالیم اسلامی شکل گرفته‌اند و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی که ایران به آنها پیوسته است، می‌توانند با قوانین داخلی این کشور در تضاد باشند. به طور مشابه، در کشور عراق، گرچه برخی از مقررات حقوقی جدیدتر بر اساس استانداردهای بین‌المللی ایجاد شده‌اند، اما در عمل با مشکلاتی از جمله ناهماهنگی‌های سیاسی و مداخلات خارجی مواجه‌اند. این هردو موقعیت، به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر توانایی محاکم در اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. در زمینه آموزش و آگاهی حقوقی، هر دو کشور با نقص‌هایی جدی مواجه هستند. نبود آموزش مناسب در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر برای وکلا و قضات منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست و ناهماهنگ با حقوق بین‌الملل می‌شود. در این زمینه، تجربه نشان داده است که نهادهای قضائی در کشورهای مختلف به دلیل نداشتن دانش کافی در مورد حقوق بین‌الملل قادر به اجرای صحیح آن نیستند. در کشور عراق، نهادهای قضائی به دلیل کمبود منابع و آموزش‌های ضروری، اغلب از فهم و اجرای صحیح حقوق بین‌الملل غافل می‌مانند. همچنین در کشور عراق، اوضاع نابسامان سیاسی و تعارضات داخلی می‌تواند منجر به ضعف در اجرای عدالت و نادیده گرفتن حقوق بشری شود. این شرایط در نهایت به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قضائی و عدم تأمین عدالت منجر می‌شود. علاوه بر این، نهادهای نظارتی و اجرائی در هر دو کشور به لحاظ کارایی با چالش‌هایی جدی مواجهند. در کشور ایران، فعالیت نهادهای مستقل حقوق بشر تحت فشارهایی قرار دارد که می‌تواند بر کیفیت عملکرد آنها تأثیر بگذارد. در کشور عراق، فعالیت‌های نهادهای مدنی و حقوق بشری به دلیل ناامنی و بحران‌های سیاسی اغلب مختل می‌شود. این شرایط موجب می‌شود که نهادهای ناظر قادر به ایفای وظایف خود به نحو مطلوب نباشند و حقوق بین‌الملل اغلب نادیده گرفته شود. نقش فرهنگ و باورهای اجتماعی نیز در هر دو کشور در عدم پذیرش مؤثر حقوق بین‌الملل تأثیرگذار است. در ایران، برخی از اعتقادات فرهنگی و مذهبی ممکن است تا حدی با اصول حقوق بشر تضاد داشته باشد، که منجر به مقاومت در برابر اخذ تصمیمات مبتنی بر حقوق بین‌الملل می‌گردد. در عراق، بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند سبب کاهش حقوق بشر به‌عنوان یک اولویت اصلی در سطح جامعه گردد. در نهایت، با وجود تلاش‌های بین‌المللی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در هر دو کشور، چالش‌های مذکور همچنان پابرجا است. این چالش‌ها به وضوح نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات بنیادین در نظام‌های حقوقی و قضائی ایران و عراق است. از طریق تقویت آگاهی‌ها و آموزش‌های حقوقی، استقلال نهادهای قضائی و نظارتی، و اصلاحات قانونی، می‌توان به تدریج مستندات حقوق بین‌الملل را به عملیاتی اجرا کرد. پیشنهاد می‌شود که کشورهای ایران و عراق به خلق فضایی مشترک و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بپردازند. ایستادگی در برابر چالش‌ها و کاوش در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر نیازمند همبستگی محلی و بین‌المللی است تا ضمن بهبود ظرفیت‌های حقوقی و نهادهای قضائی، امکان اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی هر دو کشور فراهم گردد. در این راستا، اقدامات مشترک می‌تواند به تحول مثبت در زمینه حقوق بشر بینجامد و برقراری عدالت را در سطح ملی و بین‌المللی تسهیل کند.

۱. اسلامی، کوثر (۱۴۰۲). شناسایی و اجرای احکام راجع به احوال شخصیه بر اساس موافقت‌نامه همکاری های حقوقی و قضایی در امور مدنی و احوال شخصیه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری.
۲. آقایی، سید داوود؛ علاقبند، یونس؛ قنبری، امین (۱۳۹۶). ایران و دیوان بین المللی دادگستری. تهران: دانشگاه تهران.
۳. افروغ، عماد (۱۳۹۳). فضا و نابرابری های اجتماعی، ارثه های الگویی برای جداگزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۴. العبادی، علی امیر محمد (۱۴۰۳). تحریم های اقتصادی و آثار قانونی آنها نسبت به عراق و ایران از منظر حقوق بین الملل. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۵. السمهوری، محمد (۲۰۱۹). هل تؤدي العقوبات الأوروبية والأمريكية الأخيرة إلى تراجع إيران عن برنامجها النووي؟ الجزائر: دار البشير.
۶. الساعدي، كريم مزعل شبي (۲۰۰۵). مفهوم قاعدة الإسناد وخصائصها (دراسة مقارنة في تنازع القوانين). مجلة البحوث الإنسانية، ۱۳: ۷۹-۶۱.
۷. الشافعي، محمد بشير (۲۰۱۰). القانون الدولي العام في السلم والحرب. مكتبة الجلاء الحديثه.
۸. العسكري، أبي هلال (۲۰۱۶). الفروق اللغوية. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۹. الكعبي، سري جمال ناصر (۱۴۰۱). نقش قواعد انتساب در اثبات و تفسير قانون در تعارض قوانين خارجي (بررسی تحلیلی حقوق عراق). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۰. الهداوی، حسن (۲۰۱۵). القانون للدولی الخاص؛ تنازع القوانين، المبادئ العامة والحلول الوضعية فی القانون الاردنی. عمان: دار الثقافة للنشر والتوزيع.
۱۱. ایزدی، علی (۱۳۹۴). نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین الملل در محاکم ملی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۰۳: ۵۲۹-۴۷۹.
۱۲. پیوندی، زانیا (۱۴۰۱). حقوق اقلیت های قومی در حقوق بین الملل با تاکید بر قومیت کردها در (ایران، عراق، ترکیه و سوریه). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان قزوین.
۱۳. جهانی، مهرعلی (۱۳۹۹). اجرای قانون خارجی در دادگاه های داخلی از نظر حقوق بین المللی خصوصاً ایران و فرانسه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی و احد ایلام.

۱۴. حارث یاسی، ابراهیم خلفه عبود (۱۴۰۱). حل تعارض بین کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق داخلی مطالعه تطبیقی قوه قضائیه بین‌المللی و قوه قضائیه ملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۱۵. حسینی، کاظم (۱۳۹۴). اجرای قانون خارجی در دادگاه‌های داخلی از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
۱۶. حمید، علی هادی (۲۰۱۱). المبادئ العامة فی دیباجة الدستور وقيمتها القانونية والسياسية (دراسة مقارنة مع دستور العراق لسنة ۲۰۰۵). مجلة العدالة ۲ (۲۱): ۸۷-۱۰۱.
۱۷. خسروی، حسن؛ باقری حامد، یوسف؛ زمانه قدیم، نوید (۱۴۰۲). چالش‌های همکاری دولت‌ها در اجرای تعهدات حقوق بشری. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۳: ۴۹۱-۵۱۰.
۱۸. خطاب، آرکان سعید (۲۰۱۷). التعليم الجامعي الأهلی (واقعه و دوره وسبیل النهوض به). مجلة البحوث التربوية والنفسية. (۵۵): ۶۷-۸۱.
۱۹. رضایی تیله نویی، حسن (۱۳۹۸). بررسی اعتبار آرای کیفری محاکم خارجی با توجه به مباحث قلمرو مکانی حقوق جزا (اصول صلاحیتی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.
۲۰. رنجبریان، امیرحسین؛ زمانی، سید قاسم (۱۳۹۳). ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی معاصر. جلد اول. تهران: شهر دانش.
۲۱. رنجبریان، امیرحسین؛ کمالی نژاد، حسن (۱۳۹۴). آموزش عالی حقوق بین‌الملل در ایران: ضرورت رفع نارسایی‌ها برای کارآمدی بیشتر در ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی معاصر. به اهتمام امیرحسین رنجبریان و سید قاسم زمانی، ویراستاران. تهران: شهر دانش.
۲۲. رفیعی، فریده (۱۴۰۲). ماهیت و آثار حاکمیت دولت نسبت به نهادهای عمومی در ایران و حقوق بین‌الملل. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی.
۲۳. سعدی، محمد (۲۰۱۰). أسس حقوق الإنسان فی التشريع الديني والدولي. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
۲۴. شاه حسینی، زهرا (۱۴۰۱). چالش‌های اجرای احکام در حقوق جزای بین‌الملل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۲۵. شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۹۰). برتری معاهدات بین‌المللی نسبت به قوانین عادی. مجله تحقیقات حقوقی ۵۶: ۲۷۹-۳۰۵.
۲۶. صبر صبر، حسین خیون (۱۴۰۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی عراق، مصر و ایران مطالعه تطبیقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲۷. طارق، حسن (۲۰۱۸). حقوق الإنسان أفقا للتفكير من تأصيل الحرية إلى مأزق الهوية. (د.م): دار توبقال.
۲۸. علبدینی، عبدالله؛ حسنی، سحر (۱۴۰۱). نقش محاکم ایران در اجرای حقوق بین الملل. مجله پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۵۱: ۰۷-۳۸.
۲۹. عامری، زهرا (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی اجرای احکام دادگاه های خارجی در محاکم ملی با تاکید بر اسناد بین المللی و رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران.
۳۰. عزیزی، ستار (۱۳۹۴). حمایت از اقلیت ها در حقوق بین الملل، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.
۳۱. کبیری دهکردی، علی؛ نادری فارسانی، شهاب (۱۴۰۳). بررسی اجرای حقوق بین الملل در محاکم ایران. پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، ۰۵: ۱۴-۳۰.
۳۲. کجی، حسنه (۲۰۱۹). القواعد والعلاقات المدولیه الأسس المفاهیمیة والفکریة الفاعلون والتفاعلات.
۳۳. کرم زاده، سیامک؛ علبدینی، عبدالله (۱۳۹۹). رهیافت دادگاه های داخلی پیرامون تحریم های شورای امنیت در مورد ایران: مطالعه آرای دادگاه های سنگاپور، بریتانیا و هلند. مجله حقوقی بین المللی ۶۳: ۱۹۹-۲۳۶.
۳۴. ماخوله علیا، آصف سبحانی (۱۴۰۱). تاثیر آرای محاکم بین المللی بر حقوق اشخاص در حقوق داخلی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
۳۵. موسوی، سید احمد (۱۴۰۰). مسئولیت کیفری دولت ها در عدم اجرای تعهدات و تعقیب متهمین بین المللی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
۳۶. ناصرپور، صادق (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی ماهیت اجرای حکم یا قرار داخلی و خارجی توقیف شناور در حقوق ایران و بین الملل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
۳۷. نساجی زواره، مهدی (۱۳۹۷). نقش قوه قضائیه ایران در ایفای تعهدات حقوق بین الملل محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۸. نیک روش رستمی، ملیحه (۱۳۹۶). حقوق اقلیت های قومی - مذهبی در اسناد بین المللی حقوق بشر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۰۲: ۴۷-۷۰.
۳۹. هاشمی، حمید (۱۳۹۱). نظام قضایی ایران و اجرای تعهدات بین المللی. رساله دکترای تخصصی، دانشگاه تهران.
۴۰. زغیر عیدان، بتول، پورخاقان شاهرضایی، زینب، کریم رویعی، محمد سالم، شریف شاهی، محمد. فساد اداری، کارکنان دولت، حقوق

ایران، دیوان عدالت اداری، حقوق عراق، فصلنامه تحولات سیاسی
اجتماعی معاصر ایران 1404،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.278947.1005>

۴۱. خلیل ابراهیم الشوک، زهرا، پور خاقان شاهرضایی، زینب، حمزه عسل، علی،
قربانی فر، مریم. سیاست های اقتصاد بین الملل در حوزه اسناد اعتباری با تمرکز
بر ایران. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1402،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.477365.1067>

استناد:

عبود الکریطی، علی عباس صباح، پور خاقان شاهرضایی، زینب، سوادی، عبد
علی محمد، شریف شاهی، محمد. چالشهای سیاسی، حقوقی و اداری اجرای
حقوق بین الملل در محاکم داخلی ایران، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی
معاصر ایران 1404،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.499510.1210>